

بررسی رابطه عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان دانشجوی تهرانی با همسرانشان

ربابه امیری^۱

دکتر کیانوش هاشمیان^۲

چکیده

این مطالعه پژوهشی است توصیفی که به بررسی رابطه عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان دانشجوی تهرانی با همسرانشان پرداخته است. از اینرو فرضیه‌هایی مبنی بر ارتباط بین عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت، توافق، صداقت، علاقه و محبت و پای بندی به تعهدات زنان دانشجوی تهرانی با همسرانشان شکل گرفته و مورد مطالعه قرار گرفت. به منظور نمونه‌گیری، ابتدا از بین مراکز آموزش عالی شهر تهران، به طریق تصادفی، دانشگاه‌های دولتی و آزاد انتخاب شده و سپس با مراجعه به مراکز مربوطه، با روش نمونه‌گیری در دسترس، ۲۰۰ زن دانشجوی مشغول به تحصیل دعوت به همکاری شدند.

برای سنجش میزان عمل به باورهای دینی، از مقیاس معبد و برای اندازه‌گیری میزان صمیمیت نیز از پرسشنامه MIQ (صمیمیت زوجین)، استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها نیز، آزمون همبستگی پیرسون و شاخص‌های آمار توصیفی مورد استفاده قرار گرفت. نتایج بدست آمده، همبستگی مثبت معناداری را بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت، توافق، صادق بودن، علاقه و محبت و پای بندی به تعهدات نشان داد. به این معنی که هرچه میزان عمل به باورهای دینی در زنان دانشجوی بالاتر بوده، آنها صمیمیت بیشتری را (با توجه به شاخص‌های موجود) با همسران خود تجربه کرده‌اند.

واژگان کلیدی: عمل به باورهای دینی، صمیمیت.

^۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه الزهرا

^۲- دانشیار دانشگاه الزهرا

مقدمه

انسان، هرگز مثل امروز به متحقق ساختن امیدها و آرزوهای خویش نزدیک نشده است. ما به این اعتقاد چسبیده‌ایم که خوشبخت هستیم. به کودکان خود می‌آموزیم که از همه نسل‌های قبلی پیشرفته‌تریم و اینکه سرانجام هیچ آرزویی نابرآورده و هیچ چیزی دور از دسترس ما نخواهد ماند. اما آیا کودکان ما صدائی خواهند شنید که به آنها بگوید کجا می‌روند و برای چه زندگی می‌کنند؟ آنها نیز مثل سایر افراد بشر احساس می‌کنند که زندگی باید معنی و مفهومی داشته باشد. اما این مفهوم کدام است؟ برای برخی از مردم پاسخ به این مسأله بازگشت به دین است، البته نه به عنوان عملی از سر ایمان، بلکه برای فرار از یک تردید تحمل‌ناپذیر (فروم، ۱۳۸۲).

در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، خانواده‌های آمریکائی به دنبال راهی برای نجات زندگی خانوادگی خود می‌گشتند (مالینز^۱ و دیگران، ۲۰۰۰). آمار فزاینده طلاق حتی در کشور ما (۱۹۲۶۲ مورد طلاق از ۱۰۷۴۰۴ ازدواج ثبت شده در سال ۱۳۸۱) (سالنامه آماری کشور)، خبر از بحرانی عظیم در درون خانواده‌ها می‌دهد. بر خلاف آنچه گمان می‌رود، رضایت از زندگی در میان زوجها چندان فراوان نیست. به نظر ستیر^۲ (۱۹۷۲) تنها ۵٪ و به نظر لایوی^۳، حدود ۹/۹٪ از کل زوجها در زندگی واقعاً احساس خوشبختی می‌کنند (به نقل از رضازاده، ۱۳۸۱). البته عوامل زیادی وجود دارد که باعث حفظ و یا از بین رفتن یک ازدواج می‌شود. تغییر برنامه‌های اقتصادی و سیستم‌های آموزشی و دین و مذهب، همگی می‌تواند فشار روانی زیادی را بر کل خانواده وارد آورد. مثلاً چپی و هاوسنچ^۴ (۱۹۸۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که تشابه وابستگی‌ها و ایدئولوژی‌های مذهبی باعث رضایت از زندگی زناشویی می‌شود (مالینز و دیگران، ۲۰۰۰).

در سال ۱۹۸۳ در یک زمینه‌یابی ملی در مورد سیاهپوستان بزرگسال آمریکائی از آنها خواسته شد که بگویند هنگام مواجهه با سخت‌ترین مشکلات زندگی از چه راهبردی

1. Mullins, Larry
2. Satir, Virginia
3. Lavee
4. Chi & Houseknecht

استفاده می‌کنند. بیش از ۴۴٪ از آنها عبادت کردن را سودمندترین کار در آن لحظات عنوان کرده بودند. دیگر یافته‌های این تحقیق نیز نشان داد که افراد کم درآمد (۵۰/۳٪) بیشتر از آنانی که درآمد بهتری داشتند (۳۴/۹٪)، زنان بیشتر از مردان (۵۰/۷٪ به نسبت ۳۰/۲٪) و ۶۴/۳٪ از افراد مسن، به نسبت ۴۶/۶٪ از میانسالان و ۳۲/۲٪ از جوانترها به این نکته اشاره کرده بودند. این یافته‌ها در تحقیقات بعدی در سالهای ۱۹۸۹، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ نیز تکرار شد. پارگامنت^۱ دلیل این امر (سود جستن بیشتر از دین توسط ضعفا، زنان، سیاهان، کم درآمدان و ...) را دسترسی کمتر این دسته به منابع مادی عنوان کرده و معتقد است که دین برای ایشان یک منبع همواره در دسترس می‌باشد (پارگامنت، ۱۹۹۷).

مک‌گایر^۲ (۱۹۹۷) پس از مرور تحقیقات انجام شده در زمینه مذهب و زناشوئی، به ذکر این نکته می‌پردازد که گروه‌های مذهبی، بیشتر به تولید مثل و مسائل جنسی خانواده توجه دارند تا خشونت‌های خانوادگی. مثلاً آنها همواره نگران تولد فرزندان خارج از روابط زناشوئی هستند تا کتک زدن کودکان، بیشتر مخالف طلاق هستند تا تجاوز به همسر و بیشتر نسبت به آمار ملی سقط جنین حساسند تا وجود زنانی با محارم درون خانواده‌های خودشان. از اینرو وی بنا بر گفته‌های کلارک و ناسون^۳ (۱۹۹۵) نتیجه می‌گیرد که دین را همواره نمی‌توان منبعی برای شادمانی در زندگی زناشوئی و سلامت عمومی دانست، بلکه وجود دین صرفاً باعث نادیده گرفتن مسائل خانوادگی و زناشوئی، مثل آزار کودک یا همسر می‌شود (مک‌گایر، ۱۹۹۷).

تعاریف مربوط به صمیمیت

واژه صمیمیت (Intimacy) از کلمه لاتین Intimus به معنای درونی یا درونی‌ترین گرفته شده است. صمیمی بودن با دیگری به معنای دستیابی به درونی‌ترین ویژگی‌های وی و درک آن ویژگی‌ها می‌باشد (سکستون و سکستون^۴، ۱۹۸۲؛ به نقل از فیشر و استریکر^۵).

1. Pargament, Kenneth I
2. Mc Guire, Meredith B
3. Clark & Nason
4. Sexton, Richard E. & Sexton, Virginia Staudt
5. Fisher, Martin & Stricker, George

در لغتنامه‌های گوناگون، معانی زیر برای صمیمیت در نظر گرفته شده است
(wkonline.com):

- در لغت نامه تجدید نظر شده و کامل وبستر (۱۹۱۳):

حالتی از نزدیکی، صمیمیت و ارتباط آگاهانه که همراه با شناخت در دوستی است و مترادف با کلمات آشنائی^۱، خودمانی بودن^۲، رفاقت^۳ و دوستی^۴ می‌باشد.

- در وردنت صمیمیت به معنای:

(۱) دوستی نزدیک و گرم، بدون وجود حصارهای ایجاد کننده صمیمیت مرموز، که هیچ کس در آن آرامش نداشته باشد.

(۲) رابطه جنسی غیر قانونی یا مخفیانه

(۳) احساس نزدیکی و تعلق به یکدیگر

- در لغت نامه دوپیل (۱۹۱۰)، منتشر شده در ۱۵ آوریل ۱۹۹۳:

صمیمیت ارتباطی است که در آن احمق‌ها باعث نابودی یکدیگر می‌شوند خلاصه‌ای از تحقیقات که توسط برچید و ریز^۵ (۱۹۹۸) و به نقل از مکی^۶ و همکارانش (۲۰۰۰)، در مورد معنای صمیمیت می‌باشد به شرح زیر است:

جورارد^۷ (۱۹۷۱)، صمیمیت را با افشاگری‌های شخصی هم معنی دانسته است که که به معنای کنار زدن نقابی است که همه در زندگانی خود از آن استفاده می‌کنند.

رابین^۸ (۱۹۸۳)، گفته است که برای صمیمی بودن باید نسبت به سطوحی از خود که معمولاً در زندگی روزانه مخفی می‌ماند، صادق و باز بود. میزان افشاگری شخصی بستگی به میزان آسیب‌پذیری شخصی دارد که افکار و احساساتی از خود را با دیگری در میان می‌گذارد که معمولاً در نقش‌های اجتماعی و رفتارهای هرروزه خود را نشان نمی‌دهد.

1. Acquaintance
2. Familiarity
3. Fellowship
4. Friendship
5. Berscheid & Reis, www....
6. Mackey, Richard, A. www....
7. Jourard. www...
8. Rubin. www...

اسکافر و السون^۱ (۱۹۸۱)، صمیمیت را فرایندی پویا دانسته‌اند که شامل ابعاد هیجانی، عقلی، اجتماعی و فرهنگی است.

- دایر، شیور و هلگسون^۲ (۱۹۸۷)، از شرکت کنندگان در یک تحقیق پرسیدند که چه موقع با هم جنسان و یا غیر هم جنسان خود احساس صمیمیت می‌کنند، مهم‌ترین مضامین اشاره شده شامل؛ خودافشاگری، تماس بدنی، تماس جنسی، داشتن فعالیت‌های مشترک و قدرشناسی متقابل بود. البته تماس بدنی و جنسی در مورد رابطه با گروه‌های غیر هم جنس ذکر شده بود.

مونسور^۳ (۱۹۹۲)، مفاهیم صمیمیت را در روابط هم جنس‌ها و غیر هم جنس‌ها در ۱۶۴ دانشجوی کالج بررسی کرد و به این نتیجه رسید که خودافشاگری برجسته‌ترین ویژگی صمیمیت بوده است و به دنبال آن، ابراز هیجانی، حمایت بی قید و شرط، داشتن فعالیت‌های مشترک، تماس بدنی و در آخر تماس جنسی، خصیصه‌های دیگر صمیمیت به شمار می‌رفتند.

روابط جنسی بین زوجین در یک رابطه، جنبه دیگری از صمیمیت به شمار رفته است. اصطلاح «رابطه صمیمانه» در چندین تحقیق دقیقاً معادل فعالیت‌های جنسی است (سواين^۴، ۱۹۸۹). در مطالعه‌ای به منظور تفکیک مفهوم نزدیکی و صمیمیت در میان نمونه‌ای از دانشجویان کالج، ۵۰٪ از شرکت کنندگان، روابط جنسی را ویژگی دانسته‌اند که روابط صمیمانه^۵ را از روابط نزدیک^۶ جدا می‌کند.

بیان مسأله

بررسی نقش متغیرهایی چون دینداری و مذهب بر روابط زناشویی در پژوهش‌های انجام شده در آموزش عالی، اکثراً نقش نگرش‌های مذهبی را بر رضایت زناشویی مورد سنجش

1. Schaefer & Olson. www...
2. Dyer & Shaver & Helgeson. www...
3. Monsour. www...
4. Swain. www...
5. Intimate
6. Close

قرار داده‌اند. اما با توجه به آزمون تازه ساخته شده معبد، توسط دکتر گلزاری در سال ۱۳۷۹، که حوزه عمل به باورهای دینی اسلامی را مورد ارزیابی قرار داده است (که در مقایسه با پرسشنامه‌های غربی در این زمینه و با توجه به فرهنگ دینی ما گسترده‌تر به نظر می‌رسد) و با توجه به پرداخته نشدن به مسأله صمیمیت زوجین (که شامل مؤلفه‌هایی چون؛ تعهد، صداقت، علاقه و محبت و سازش می‌شود) در مطالعات صورت گرفته در زمینه زناشوئی، پژوهش حاضر مورد تقریباً تازه‌ای به نظر می‌رسد. فقط نکوئی (۱۳۸۳)، از این پرسشنامه (معبد) برای دست‌یابی به رضایت زناشوئی استفاده کرده است.

سؤال پژوهش

آیا بین عمل به باورهای دینی و عوامل موجود در آزمون صمیمیت در بین زنان دانشجوی ارتباط معنادار وجود دارد؟

فرضیات پژوهش

۱. بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان دانشجوی با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.
۲. بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان توافق زنان دانشجوی با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.
۳. بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صادق بودن زنان دانشجوی با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.
۴. بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان علاقه و محبت زنان دانشجوی با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.
۵. بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان پای بندی به تعهدات زنان دانشجوی با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

۶. بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت* زنان دانشجوی با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی است که در آن همبستگی بین عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان دانشجوی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این امر، جامعه آماری را کلیه زنان مشغول به تحصیل در دانشگاههای تهران (بدون در نظر گرفتن رشته تحصیلی) تشکیل داده‌اند. به منظور نمونه‌گیری از این جامعه، ابتدا از میان مراکز آموزش عالی تهران، به روش تصادفی، دانشگاههای دولتی و آزاد انتخاب شدند. سپس از میان مراکز دولتی؛ دانشگاههای علامه طباطبائی، تربیت مدرس، الزهراء، و از میان دانشگاههای آزاد؛ دانشکده علوم واحد تهران مرکز، دانشکده تربیت معلم واحد تهران جنوب و دانشگاه آزاد واحد پرند انتخاب شده، و به علت کمتر بودن دانشجویان متأهل نسبت به مجرد، هنگام مراجعه به مراکز مربوطه، از شیوه نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد که سرانجام ۲۰۰ نفر از دانشجویان زن با دامنه سنی ۲۰ تا ۳۴ سال، نمونه مورد نظر را تشکیل دادند.

برای سنجش میزان عمل به باورهای دینی، از مقیاس ۲۵ سؤالی معبد (دکتر گلزاری، ۱۳۷۸-۷۹) که عمل، نه اعتقاد و نگرش دینی را اندازه می‌گیرد، استفاده شد که نمره‌گذاری آن، از ۰ تا ۱۰۰ می‌باشد. برای سنجش میزان صمیمیت نیز از پرسشنامه ۵۶ سؤالی MIQ (صمیمیت زوجین) ساخته استفان وندن بروک^۱ و هانس برتمن (۱۹۹۵) که ۵ شاخص درباره صمیمی بودن در ازدواج (یعنی صمیمیت، میزان توافق، میزان صادق بودن، علاقه و محبت و میزان پای بندی به تعهدات) را می‌سنجد، استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها نیز، آزمون همبستگی پیرسون و شاخص‌های آمار توصیفی مورد استفاده قرار گرفت.

* منظور از میزان صمیمیت در این فرضیه، نمره کل بدست آمده در آزمون miq می‌باشد.

1. Vanden Brouck, Stephan

یافته‌های پژوهش

الف) بخش توصیفی

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در مقیاس معبد و miq

انحراف استاندارد	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد	
۱۵/۱۴	۶۵/۳۷	۹۳	۱۲	۲۰۰	نمره معبد
۲۶/۸۵	۱۶۹/۰۳	۲۱۷	۴۸	۲۰۰	نمره صمیمیت
۳/۲۱	۲۴/۱	۳۴	۲۰	۲۰۰	سن
۳/۲۸	۲/۵	۱۰	۱	۲۰۰	مدت ازدواج

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد فراوانی مقطع تحصیلی

تراکم درصدی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
۷۹/۰	۷۹/۰	۷۹/۰	۱۵۸	کارشناسی
۹۷/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۳۷	کارشناسی ارشد
۱۰۰/۰	۲/۵	۲/۵	۵	دکتری
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۰۰	کل

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد فراوانی رشته تحصیلی

تراکم درصدی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
۱۱/۵	۱۱/۵	۱۱/۵	۲۳	ریاضی
۱۷/۵	۶/۰	۶/۰	۱۲	تجربی
۸۹/۵	۷۲/۰	۷۲/۰	۱۴۴	انسانی
۹۷/۵	۸/۰	۸/۰	۱۶	زبان
۱۰۰/۰	۲/۵	۲/۵	۵	هنر
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۰۰	کل

جدول ۴. توزیع فراوانی و فراوانی درصدی تعداد فرزندان

تراکم درصدی	درصد اعتبار	درصد	فراوانی	
۷۴/۰	۷۴/۰	۷۴/۰	۱۴۸	بدون فرزند
۸۸/۵	۱۴/۵	۱۴/۵	۲۹	۱ فرزند
۹۸/۵	۱۰/۰	۱۰/۰	۲۰	۲ فرزند
۱۰۰/۰	۱/۵	۱/۵	۳	۳ فرزند
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۰۰	کل

(ب) بخش استنباطی

فرضیه اول) بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان دانشجو با همسرانشان همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

جدول ۵. نتایج ضریب همبستگی بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت

سطح معناداری	فراوانی	ضریب همبستگی	
۰/۰۱	۲۰۰	۰/۱۸۹	عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت

نتایج مندرج در جدول شماره ۵ نشان می دهد که بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان با همسرانشان رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($p < ۰/۰۱$ و $r = ۰/۱۸۹$). لذا با ۹۹٪ اطمینان می توان گفت که هرچه میزان عمل به باورهای دینی بالاتر باشد، میزان صمیمیت زنان با همسرانشان بالاتر است (لازم به ذکر است که منظور از این میزان صمیمیت، شاخص صمیمیت در این آزمون می باشد). فرض اول پژوهش با توجه به این یافته ها تأیید می شود.

فرضیه دوم) بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان توافق زنان دانشجو با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

جدول ۶. نتایج ضریب همبستگی بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان توافق

سطح معناداری	فراوانی	ضریب همبستگی	عمل به باورهای دینی و میزان توافق
۰/۰۱	۲۰۰	۰/۳۱۸	

نتایج مندرج در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان توافق زنان با همسرانشان رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($r = 0/318$ و $p < 0/01$). لذا با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که هرچه میزان عمل به باورهای دینی بالاتر باشد، میزان توافق زنان با همسرانشان بالاتر است. فرض دوم پژوهش نیز با توجه به این یافته‌ها تأیید می‌شود.

فرضیه سوم) بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صادق بودن زنان دانشجویان با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

جدول ۷. نتایج ضریب همبستگی بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صادق بودن

سطح معناداری	فراوانی	ضریب همبستگی	عمل به باورهای دینی و میزان صادق بودن
۰/۰۱	۲۰۰	۰/۳۸۲	

نتایج مندرج در جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صادق بودن زنان با همسرانشان رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($r = 0/382$ و $p < 0/01$). لذا با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که هرچه میزان عمل به باورهای دینی بالاتر باشد، میزان صادق بودن زنان با همسرانشان بالاتر است. فرض سوم پژوهش نیز با توجه به این یافته‌ها تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم) بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان علاقه و محبت زنان دانشجویان با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

جدول ۸. نتایج ضریب همبستگی بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان علاقه و محبت

ضریب همبستگی	فراوانی	سطح معناداری	
۰/۳۵۱	۲۰۰	۰/۰۱	عمل به باورهای دینی و میزان علاقه و محبت

نتایج مندرج در جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان علاقه و محبت زنان با همسرانشان رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($p < ۰/۰۱$) و $r = ۰/۳۵۱$. لذا با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که هرچه میزان عمل به باورهای دینی بالاتر باشد، میزان علاقه و محبت زنان با همسرانشان بالاتر است. فرض چهارم پژوهش نیز با توجه به این یافته‌ها تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم) بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان پای بندی به تعهدات زنان دانشجوی با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

جدول ۹. نتایج ضریب همبستگی بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان پای بندی به تعهدات

ضریب همبستگی	فراوانی	سطح معناداری	
۰/۳۴۹	۲۰۰	۰/۰۱	عمل به باورهای دینی و میزان پای بندی به تعهدات

نتایج مندرج در جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان پای بندی به تعهدات زنان با همسرانشان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. ($p < ۰/۰۱$) و $r = ۰/۳۴۹$. لذا با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که هرچه میزان عمل به باورهای دینی بالاتر باشد، میزان پای بندی به تعهدات زنان با همسرانشان بالاتر است. فرض پنجم پژوهش نیز با توجه به این یافته‌ها تأیید می‌شود.

فرضیه ششم) بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان دانشجوی با همسرانشان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

جدول ۱۰. نتایج ضریب همبستگی بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت

سطح معناداری	فراوانی	ضریب همبستگی	
۰/۰۱	۲۰۰	۰/۳۵۹	عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت

نتایج مندرج در جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان با همسرانشان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. ($p < 0/01$) و $r = 0/359$ است. لذا با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که هرچه میزان عمل به باورهای دینی بالاتر باشد، میزان صمیمیت زنان با همسرانشان بالاتر است. (لازم به ذکر است که منظور از این میزان صمیمیت، نمره کل آزمون miq می‌باشد). فرض ششم پژوهش نیز با توجه به این یافته‌ها تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های فرضیه اول همسو با نتایج تحقیقات رایبسون^۱ در سال ۱۹۹۴ می‌باشد. وی در تحقیقی بر روی تأثیر دینداری بر برخی عوامل خاص مربوط به کارکردهای زناشویی، تأثیر عبادت کردن را بر افزایش صمیمیت، تعهد و ارتباطات پیدا کرده است (باتلر^۲ و دیگران، ۱۹۹۸). برخلاف یافته‌های تحقیق رایبسون، بوث^۳ و دیگران (۱۹۹۵)، به این نتیجه رسیدند که حمایت کمی برای این عقیده وجود دارد که افزایش فعالیت‌های مذهبی، روابط زناشویی را بهتر می‌کند. آنها گفتند افزایش دینداری تا اندازه‌ای احتمال فکر کردن به طلاق را کاهش می‌دهد، اما شادمانی زناشویی را افزایش یا دلایل طلاق گرفتن را کاهش نمی‌دهد (مالینز و دیگران، ۲۰۰۰).

باتلر و دیگران (۲۰۰۲)، نشان دادند که در زوج‌های مذهبی، معنویت و اعمال مذهبی، ارتباطات بین آنها را بیش از دیگر زوجها متأثر کرده و پیش‌بینی‌کننده خوبی برای پیامدهای ارتباطی شان نیز می‌باشد. در این تحقیق ۲۱۷ زوج مذهبی یک مقیاس لیکرت

1. Robinson
2. Butler
3. Booth. www....

۱۰۲ آیتمی را که تجارب پدیدار شناختی آنها را حین عبادت و در هنگام تعارض در زندگی زناشویی، نشان می‌داد پر کردند. داده‌ها نشان داد، هنگامی که آنها تجارب دعا و عبادت (نماز خواندن) داشتند، دیدگاه انعطاف پذیرتر و بهتری نسبت به رابطه خود اظهار می‌کردند. از این رو پیشنهاد شده است که از اعمال عبادی می‌توان به عنوان تاکتیکی برای حل تعارض در درمانهای زوجین مذهبی سود جست.

شاخص توافق در این پرسشنامه، ۱۲ گزینه را در بر گرفته است و اگر توافق را مساوی رضایت از زندگی زناشویی و عدم وجود تعارض بدانیم (مروری بر پرسشنامه پربارسازی^۱، ساخته اولسون^۲ و دیگران در سال ۱۹۸۹، نشان داد که گزینه‌های مربوط به عدم تعارض در این پرسشنامه تقریباً معادل گویه‌های مربوط به شاخص توافق در پرسشنامه صمیمیت زوجین می‌باشد)، لذا می‌توان از یافته‌های مشابه برای تأیید این فرضیه سود جست.

در یک زمینه‌یابی ملی در ۱۹۹۷ در ایالات متحده، کال و ویتین^۳ به این نتیجه رسیدند که زمانی که زوجین به طور منظمی با هم در فعالیت‌های مذهبی شرکت کنند، میزان طلاق در میان آنها کاهش می‌یابد. هم‌چنین وابستگی‌های حاشیه‌ای به دین می‌تواند به سالم ماندن ازدواج‌های مشکل دار کمک کند. هوارد وینبرگ^۴ (۱۹۹۴) نیز در مطالعه بر روی توافق در مورد زوج‌های مشکل دار، به این نتیجه رسید که از میان زنانی که هنوز پس از سالها تلاش برای توافق، هنوز در ازدواج مانده بودند (تقریباً یک سوم)، دین یکی از قوی‌ترین علل توافق و مصالحه خود می‌دانستند (پونزتی^۵، ۲۰۰۳). گرانر^۶ (۱۹۸۵) نیز در تحقیق خود علیرغم انتقادات وارد شده بر آن (مانند عدم وجود گروه کنترل و سوگیری در نمونه‌گیری و ...)، عبادت کردن (نماز خواندن) را عاملی مربوط به سازگاری زناشویی و حل تعارض دانسته است (باتلر و دیگران، ۱۹۹۸).

-
1. Enrich: Enriching & Nurturing Relationship Issues (Communication & Happiness)
 2. Olson
 3. Call & Wheaten
 4. Wineberg
 5. Ponzetti, James J
 6. Gruner

دودلی و کوزینسکی^۱ (۱۹۹۰)، نیز دین را عامل تسهیل کننده در حل تعارضات زناشویی دانسته‌اند (باتلر و دیگران، ۱۹۹۸). کوترل و بارگس^۲ (۱۹۳۹)، در تحقیق خود در این زمینه به این نتیجه رسیدند که کسانی که در زندگی زناشویی خود، سازگاری را گزارش کرده بودند، ۵۰٪ کسانی بودند که در کلیسا ازدواج کرده‌اند، در مقابل ۳۷ درصدی که در جاهای دیگری غیر از کلیسا ازدواج نموده بودند (آرگیل^۳، ۱۹۹۸). شرکات^۴ (۲۰۰۴) بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسید که اختلاف دینی در خانواده‌ها موجب بروز مشکلاتی برای ازدواج شده که منجر به کاهش رضایتمندی و افزایش تعارضات زناشویی و طلاق می‌شود. ماهانی^۵ و دیگران (۲۰۰۲)، در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که دین موجب افزایش مشارکت کلامی، کاهش پرخاشگری کلامی و تعارض زناشویی شده و در نهایت موجب افزایش رضایتمندی زناشویی می‌شود (به نقل از نکوئی، ۱۳۸۳). مالینز و دیگران (۲۰۰۰)، برای دست‌یابی به اینکه چه احساسات مذهبی و یا دیگر متغیرها سازگاری زناشویی را متأثر می‌کند، در نمونه‌های زیر ۶۵ سال و بالای ۶۵ سال تحقیقی را انجام دادند. نتایج بدست آمده از ۱۶۹ زوج نشان داد که افزایش سن، در آمد بیشتر و دینداری بیشتر به طور معنی داری با احساس سازگاری بیشتر زناشویی رابطه دارد. برای زیر ۶۵ سال، داشتن سلامتی این سازگاری را ایجاد کرده بود و برای بالای ۶۵ سال دینداری بیشتر به سازگاری زناشویی مربوط می‌شد. گلین و پوز^۶ (۱۹۸۸)، هم چنین اسپروسکی و هاگستون^۷ (۱۹۷۸) نشان دادند افرادی که برای مدت طولانی با هم زندگی می‌کنند، دین را به عنوان مهم‌ترین عامل رضایتمندی در ازدواج تلقی می‌نمایند. جریگان و ناک^۸ بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که دین بهترین عامل ثبات و پایداری در ازدواج است (به نقل از نکوئی، ۱۳۸۳). چادویک و باهر (۱۹۸۵) نیز به این

-
1. Dudley & Kosinski
 2. Cottrel & Burgess
 3. Argyle
 4. Sherkat
 5. Mohoney
 6. Glenn & Poz
 7. Sparawski & Houghston
 8. Chadwick & Bah

نتیجه رسیدند که عضویت در کلیسا با رضایت زناشویی ارتباط مثبت دارد (مک گایر، ۱۹۹۷). نکوئی (۱۳۸۳) نیز، همبستگی معناداری را بین جهت گیری دینی و عمل به باورهای دینی و رضایتمندی زناشویی، پیدا کرد.

در ارتباط با فرضیه سوم هیچ پژوهش همسو و یا غیر همسوئی دیده نشد. اما با توجه به اینکه اکثر پرسشنامه‌های مربوط به زناشویی و ازدواج شامل گویه‌هایی در مورد صداقت نیز می‌باشند، نمی‌توان پیدا نکردن تحقیقی خاص با این عنوان را دال بر نداشتن پشتوانه پژوهشی این فرضیه دانست.

شاخص علاقه و محبت در پرسشنامه صمیمیت زوجین، ۸ گزینه را به خود اختصاص داده است که شادی و لذت بردن از با هم بودن را نیز در بر می‌گیرد. از اینرو با استناد به تحقیقاتی در این زمینه می‌توان به تبیین فرضیه موجود پرداخت.

لاندیس و لاندیس^۱ (۱۹۵۳)، در مطالعه‌ای بر روی ۴۰۹ زوج آمریکائی به این نتیجه رسیدند که ۵۴٪ از کسانی که به طور مرتب به کلیسا می‌رفتند، در مقابل ۴۳ درصدی که گاهی به کلیسا رفته و یا اصلاً نمی‌رفتند، خود را خیلی شاد و خوشبخت‌تر توصیف کرده بودند (آرگیل، ۱۹۹۸). شهان و بوک^۲ (۱۹۹۰)، گزارش دادند که دینداری، تأثیر مثبتی بر شادمانی زناشویی دارد، اما فقط در میان کاتولیک‌ها (هر دو زوج کاتولیک باشند). در همین راستا پرات و هیتون (۱۹۹۰) به این نتیجه رسیدند که کسانی که با همسرشان مذهب مشترکی دارند به نسبت زوج‌هایی که مذهب مشترکی ندارند در زندگی زناشویی خود شادمانی بیشتری را تجربه می‌کنند. یافته‌های ایشان حاوی این نکته است که کسانی که بیشتر به کلیسا می‌روند کمتر احتمال دارد که ازدواجهای نامتجانس داشته باشند و از اینرو شادی بیشتری را تجربه خواهند کرد (مالینز و دیگران، ۲۰۰۰). کوئینگ و دیگران (۱۹۹۰) با اجرای آزمون ۱۶ عاملی شخصیتی کتل بر روی ۱۰۰ بزرگسال پروتستان به این نتیجه رسیدند که مذهبی‌ها به نسبت کمتر مذهبی‌ها، رفتار خصمانه کمتری داشته و فروتن‌تر بودند (پارگامنت، ۱۹۹۷).

1. Landis & Landis
2. Shehan & Bock

یکی از مسائلی که همواره در بحث تعهد مطرح است، وفاداری به همسر و نداشتن روابط خارج از زناشویی می‌باشد. کینزی^۱ که به لحاظ مطالعاتش در زمینه رفتارهای جنسی انسان در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ بسیار معروف است، از برخی یافته‌های خود به این نکته پی برد که افراد مذهبی (چه زن و چه مرد)، فعالیت‌های جنسی کمتری پیش از ازدواج داشته‌اند (آرگیل، ۱۹۹۸).

در میان دلایل با هم ماندن (ثبات)، این اعتقاد وجود دارد که ازدواج و ارزشها و تعهدات دینی یک عشق و تعهد در تمام دوران زندگی به شمار می‌رود (کازلو و رایبسون^۲، ۱۹۹۶). برخی گروه‌های مذهبی بر تعهدی مبنی بر تک همسر بودن تأکید دارند (مانند دین یهود، اسلام، کنفوسیوس، کاتولیک‌ها و پروتستان‌های بنیاد گرا). اگر مردم این ارزشها را درونی کرده باشند یا فشارهای فرهنگی اجتماعی بر آنها زیاد باشد، خطر طلاق کاهش می‌یابد. اسکانزونی و آرنِت^۳ (۱۹۸۷)، در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که دین بر تعهد زناشویی تأثیر غیرمستقیم دارد. دین صرفاً بر مراقبت از دیگری و تعریف طرفین از نقش‌های جنسی که متعاقباً بر روی روابط و تعهد تأثیر می‌گذارد، تأکید می‌کند. لارسون و گولتز (۱۹۸۹)، گفته‌اند که درگیری‌های مذهبی بیشتر تعهد مردان را نسبت به رابطه متأثر می‌کند و تعهد زناشویی زنان بیشتر با رضایت از خود زندگی ارتباط دارد تا با درگیری‌های مذهبی (مک‌گایر، ۱۹۹۷).

به هر حال تایید فرضیات پژوهش همراه با بررسی پژوهش‌های مطرح شده، صحه‌ای بر این حقیقت است که دین، به عنوان مهم‌ترین رکن زندگی انسانها، حتی در ظرفیت‌ترین روابط بین فردی نقشی از خود به جای گذاشته و عدم توجه به آن، تأثیرات زیانباری از جمله اضمحلال خانواده‌ها را در پی خواهد داشت.

-
1. Kinesy
 2. Kaslow & Robinson
 3. Scanzoni & Arnett

منابع

- رضازاده، محمد رضا (۱۳۸۱)، رابطه سبکهای دلبستگی و مهارتهای ارتباطی با همسازی زناشویی در دانشجویان، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۲
- فروم، اریک، روانکاو و دین، ترجمه: نظریانف آرسن (۱۳۸۲)، چاپ اول، انتشارات مروارید گلزاری، محمود (۱۳۷۸)، ساخت و اعتبار یابی سنجش ویژگیهای شخصیتی - رفتاری افراد مذهبی و رابطه این خصوصیات با بهداشت روانی، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی
- نکوئی، مریم (۱۳۸۳)، بررسی رابطه دینداری با رضایتمندی زناشویی در بین زوجهای شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- Argyle, Michael (1998), *Religious Behaviour*, Routledge pub.
- Bosworth HB, Park KS, McQuoid DR, Hays JC, Steffens DC., (2003), *The impact of religious practice and religious coping on geriatric depression*.
www.ncbi.nlm.nih.gov
- Butler, Mark H.; Gardner, Brandt C. ; Bird, Mark H. (1998), *Not Just a Time-Out : Change Dynamics of Prayer for Religious Couples in Conflict Situation, Family Process*, Vol 37, No 4, 1998
- Butler, Mark H.; Stont, julie A. & Gardner, Brandt C., (2002), *Prayer as a Conflict Resolution Ritual: Clinical Implication of Religious Couples' Report of Relationship Softening, Healing perspective, and Change Responsibility, (Brigham Young U; School of family life, Provo,UT), Psychology Abstract, Executive Editor: Beebe, Linda, pub: Psychological Association, Vol 89, No 4, April 2002*
- Fisher, Martin & Stricker, George (1982), *Intimacy*, Plenum press
- Mackey, Richard A.& Diemer, Matthew A.& O'Brien, Bernard A.,(2000), *Psychological Intimacy in the Lasting Relationships of Heterosexual and Samegender Coupled – Statical Data Included, Sex Role: A journal of Research* http://www.findarticles.com/p/articles/mi_m2294/is_2000_august/ai_69015941
- Mc Guire, Meredith B.(1997), *Religion (The Social Context)*, Fourt Edition, pub:Wadworth Publishing Company
- Mullins, larry c.,pruett,daniel,brackett, kimberly _harrison_ danny, (2000), *marital adjustment and religiosity: a comparison of those under age 65 with those age 65 and older*, auburn university montgomery
www. Scirus.com
- Pargament, Kenneth I. (1997),*The psychology of religion and coping (theory, research, practice)*, guilford press
- Ponzetti, James J.(2003), *International Encyclopedia of Marriage and Family*, University of British columbia , second edition ,volume3,Thomson Gale. Pub- 3 definition for intimacy <http://www.wkonline.com/d/Intimacy.html>

